***به منظور ارائه بررسی نمایید***

**بیانیه گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان**

**۲۶ اکتوبر ۲۰۲۲**

آقای رئیس جمهور،

مسرت دارم که ارزیابی خویش را در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، بر مبنای گزارش اولیه خود، که در روشنایی با قطعنامه ۱/۴۸ شورای حقوق بشر در اختیار شما قرار گرفته است و حاوی معلومات و مشاهدات بازدید اخیر من از افغانستان در گذشته می باشد، با شما در میان می گذارم.

پس از آنکه من در ماه می سال روان این مسئولیت خطیر را بر عهده گرفتم، دو مرتبه از افغانستان بازدید نموده ام، که بازدید نخست در ماه می و بازدید دوم در ماه اکتوبر صورت گرفته است. تا به اساس معلومات دست اول از افراد و گروه های متاثر شده که در افغانستان به سر می برند و سایر دست اندرکاران ذیربط، یک ارزیابی مستقلانه و آگاهانه را در مورد وضعیت حقوق بشر انجام دهم.

با توجه به دیدگاه های که من به آن دست یافتم، شماری زیادی از افغان ها گزارش اولیه مرا مثبت ارزیابی نموده اند و آنرا به عنوان یک ارزیابی منصفانه و دقیق در مورد وضعیت حقوق بشر پنداشته اند. با توجه به نظریات ارائه شده، *مقامات بالفعل* طالبان ابراز ناامیدی کرده اند و اظهار داشته اند که گزارش مذکور بیش از حد جنبه انتقادی داشته و نتوانسته است دستاورد های آنان را به اندازه کافی منعکس سازد[[1]](#footnote-1). آنها مدعی اند که از ماه می بدینسو پیشرفت های زیادی داشته اند. در حقیقت، آنها اعلام نموده اند که "میزان خودکشی و قتل های فراقانونی زنان، آدم ربایی و شکنجه در زندان ها به صفر تقرب نموده است." ممکن در این عرصه یکعده انکشافات امیدوار کننده به چشم بخورند، اما دیده می شود که با حقیقت فاصلۀ فراوان دارد.

با وجود آن، *مقامات بالفعل* هنوز هم می خواهند در این راستا پابند باشند. سرپرست وزارت امور خارجه با اشارۀ که به من داشته است در تویت خویش چنین نوشته است: "باید به عوض انتقاد کردن از یکدیگر، با هم کار کنیم، حقایق را نشر نماییم و روی پیشرفت‌ ها تمرکز کنیم". در جلساتی که با رهبری *مقامات بالفعل* در سطح مرکز و ولایات برگزار نموده ام، آنها دیدگاه های خود را در مورد پیشرفت ها در میان گذاشته اند و از من مطالبه نموده اند تا وضعیت را از نزدیک "با چشمان خود" مشاهده نمایم.

من در هر دو بازدید خویش با دست اندرکاران مختلف، منجمله اعضای جامعه مدنی، به ویژه زنان، *مقامات بالفعل*، و جامعه بین المللی در افغانستان، به شمول نمایندۀ ویژه سرمنشی سازمان ملل متحد که جدیداً به این سمت منصوب شده است، ملاقات نموده ام. من به حرف های مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران، کارکنان نهاد های عدلی و قضایی، بزرگان جامعه، عالمان دین و مهمتر از همه قربانیان نقض حقوق بشر و خانواده های ایشان گوش فرا داده ام. همچنان علاوه بر کابل به ولایات قندهار، بلخ، بامیان و پنجشیر سفر نموده ام و از توقیفگاه ها، شفاخانه ها و ساحات میراث های فرهنگی دیدن نموده ام.

از *مقامات بالفعل* به خاطر ملاقات های که در سطوح عالیرتبه با من داشته اند و فراهم نمودن زمینه دسترسی به نقاط مختلف کشور، به شمول اماکن حساس مانند زندان ‌ها، قدردانی می‌ نمایم. با وجود اختلاف نظر های که در مورد مسائل عمدۀ حقوق بشر داشتیم، از گفتمان با آنها نیز قدردانی می نمایم. همچنان از هرگونه حمایت دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان در پیوند با این بازدید ها و نتایجی که از آنها به دست آمده اند، ابراز امتنان می نمایم.

مهمتر از همه اینکه من به زنان و مردان شجاع افغان که به تلاش های مسالمت آمیز خویش در راستای حقوق بشر در کشور شان ادامه می دهند و حتی در بسا موارد زندگی خود را به خطر می اندازند، درود می فرستم.

در مجموع، ارزیابی امروزی من اینست که وضعیت حقوق بشر در افغانستان عمیقاً نگران کننده است. در حالی که نشانه های اندکی از تحولات مثبت به چشم می خورند، اما متاسفانه بنابر عقبگردی که در سایر زمینه ها وجود دارد، این تحولات بی ارزش جلوه می کنند. بحران حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در افغانستان به اوج خود رسیده است و مردم کشور همچنان از آن رنج می برند.

زنان از زندگی عامه حذف شده اند و حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها نادیده گرفته می شود. به استثنای یک فرمانی که در ماه دسامبر گذشته صادر شده است، دستورالعمل های متعددی که توسط طالبان صادر گردیده اند، حقوق و آزادی های اساسی آنها را از آنان ربوده است. در ملاقات های جداگانۀ که با زنان و دختران داشته ام دریافته ام که از حرف های آنها خشم، اندوه، ترس و اضطراب می بارد و آنها شدیداً از عدم سلامتی جسمی و روانی رنج می برند. اما، به نظر می رسد که هنوز هم آنان برای تثبیت جایگاه مناسب حال شان در جامعه، از اراده قوی برخوردار اند.

یک تن از آنان گفت: *"ما درک می کنیم که آنچه در مورد ما اتفاق افتاده است، درست نیست. یکعدۀ ما می توانستیم کشور را ترک کنیم، اما ما این کار را نکردیم، تصمیم گرفتیم در کشور خود بمانیم و در راستای تثبیت جایگاه زن در جامعه افغانستان مبارزه نماییم. ما حاضر هستیم که با طالبان گفتگو کنیم، اما از جامعه بین‌المللی می خواهیم که در این راستا ما را یاری رسانند و در جریان این پروسه از ما حمایت نمایند."*

درست ۴۰۱ روز قبل، مکاتب متوسطه دختران تعطیل شدند. در هیچ کشور دیگر جهان دختران از حق تعلیم در مکتب محروم نیستند. این کار از لحاظ شرعی هیچ قابل توجیه نیست. مکاتب متوسطه دختران باید بازگشایی شوند. این در واقع نخستین امتحان *مقامات بالفعل* در راستای پابند بودن شان به تعهدات بین‌المللی حقوق بشر، منجمله کنوانسیون منع هر گونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) خواهد بود. این امر هم بالای آینده دختران و هم بالای آینده کشور پیامد های بنیادی بجا خواهد گذاشت. اما این باید نخستین قدم آنها باشد، نه آخرین اقدام آنان.

احیای معیشت، بنابر پیامد های مثبت متعددی که به همراه دارد، یکی از اولویت های دیگری به حساب می رود که زنان از آن یاد آوری نموده اند. جامعه بین المللی باید از ابتکارات جاری تاجران و بازار های زنان به عنوان یک گام اولیه حمایت همه جانبه نمایند، هرچند جاگزین حق کار شده نمی تواند. باید شماری از راه حل ها را در درون جوامع سراغ نمود.

وضعیت اقلیت های قومی و مذهبی در کشور شدیداً نگران کننده به نظر می رسد. به ویژه، حملات خشونت آمیز علیه اقلیت های مذهبی هزاره، اهل تشیع، سیک ها و صوفیان نگرانی مرا برانگیخته است. من با نمایندگان جوامع اوزبیک و ترک‌تبار نیز ملاقات های مفصل داشته ام. آنها از اینکه به حاشیه رانده شده اند، ابراز نگرانی نموده اند. اکثریت حملاتی که نهاد های آموزشی، عبادتگاه ها یا وسایط نقلیه عامه را هدف قرار داد اند، سبب جان باختن افراد ملکی شده اند. حمله اخیر به مرکز آموزشی کاج که به تاریخ ۳۰ سپتامبر به وقوع پیوست، یک حمله کاملاً وحشیانه بوده که در آن ۵۴ تن جان باخته است و ۱۱۴ تن دیگر جراحت برداشته اند. از میان ۵۴ تن کشته شدگان، ۵۱ تن آنها را زنان جوان هزاره تشکیل می دادند. حمله مذکور موج اعتراضات مردمی را در سطح جهان به دنبال داشته است و توسط سازمان ملل متحد به الفاظ شدید محکوم شده است. اما، باید خاطر نشان سازم که حمله مذکور از پوشش ناچیز در رسانه های بین المللی برخوردار بوده است.

آقای رئیس جمهور، آیا چنین بی اعتنایی در برابر زندگی مردم را می توان یک امر عادی تلقی نمود؟

حملاتی که اکثراً مسئولیت آن را شاخه خراسان دولت اسلامی (داعش) بر عهده گرفته است، از چندین سال بدینسو ادامه دارند، معمولاً سیستماتیک به نظر می رسند، نشانه جنایات جدی بین المللی بوده و طوری که در گزارش من به آن پرداخته شده است، باید به طور کامل بررسی شوند.

در ملاقات های که طی سفر اخیرم با اعضای جوامع هزاره داشته ام، آنان خاطر نشان نمودند که از ماه اگست ۲۰۲۱ بدینسو شدیداً با محدودیت های زندگی روبرو شده اند. متأسفانه، به نظر می رسد که علیه آنها محدودیت های دسترسی به خدمات آموزشی و خدمات عامه اعمال شده است، که یکی از شاخص های عمدۀ آسیب پذیری شدید آنها محسوب می شود. *مقامات بالفعل* نتوانسته اند از همچو جوامع در برابر اینگونه حملات محافظت نمایند و آنها مکلف اند تا هرگونه اقدامات ممکن را برای محافظت از جوامع مذکور روی دست گیرند و مرتکبین و عاملین آن را در مطابقت با معیارات بین المللی به پای عدالت کشانند.

میان نیرو های امنیتی طالبان و گروه های مخالفین مسلح دولت در ولایت پنجشیر و سایر ولایات شمال کشور درگیری ها ادامه دارد. گزارش های معتبر در مورد قضایای متعدد قتل های فراقانونی اسرای جنگی وجود داشته، که دلالت به نقض جدی حقوق بشر بین المللی و حقوق بشردوستانه می کند. من از جوامع مناطق مذکور، به ویژه از جوامع ولایت پنجشیر که از آنها بازدید نموده ام و با شاهدان عینی مصحبه انجام داده ام، دریافته ام که آنها به شدت سرکوب می شوند. افراد ملکی که طالبان آنها را وابسته با جبهه مقاومت ملی می دانند، از بازرسی خانه به خانه، بازداشت و توقیف خودسرانه، قتل های فراقانونی، شکنجه و آواره شدن از خانه های شان به ستوه آمده اند، و توام با ممانعت در عرصه اطلاع رسانی می باشد. به نظر می رسد که این مجازات به شکل دسته جمعی اعمال می شوند و طالبان همواره آن را رد می کنند.

بازدیدی که من از ولایت پنجشیر داشته ام و طی آن شخصاً از شاهدان عینی شنیده ام، مرا متقاعد نموده است که باید هرچه زودتر به همچو پالیسی ها نقطه پایان گذاشته شود و در این راستا تحقیقات کامل و مستقلانه انجام یابد.

همچنان، نگرانی من زمانی به اوج خود رسید که دریافتم که طالبان بر خلاف عفو عمومی که در سال ۲۰۲۱ اعلام نموده است، به قتل های هدفمند و انتقام جویانه نیرو های ملی امنیتی و دفاعی اسبق افغانستان دست می زنند. اینگونه قتل ها و ناپدید شدن ها تنها و تنها دامنه تنش ها و خصومت ها را در جوامع گسترده تر ساخته و به هیچ عنوان در راستای تلاش های مصالحه در آینده ممد واقع نخواهد شد. *مقامات بالفعل* باید عفو عمومی اعلام شده را جامه عمل بپوشانند و اشخاصی را که در قتل و ناپدید شدن مقامات امنیتی اسبق و سایر منسوبین دولتی دست دارند، مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار دهند.

آقای رئیس جمهور،

جای شک نیست که جنگ های چهار دهۀ گذشته به تمام جوامع بدون در نظر داشت وابستگی های قومی و مذهبی آنان صدمات جدی رسانیده است، بناءً بیش از هر زمان دیگر برای ایجاد یک دولت همه شمول و یک پروسه عدالت انتقالی فراگیر نیاز است.

از زمان بازدید قبلی من تا کنون، آزادی مطبوعات با محدودیت های بیشتر روبرو شده است. گزارش ها می رساند که رسانه های شناخته شده نظر به توانایی شان هنوز هم به نشرات خویش ادامه می دهند، اما به آنها اجازه رویارویی و انتقاد از مسئولان داده نمی شود. گزارشدهی تحقیقی و یا پوشش مناطقی که از جنگ متاثر شده اند کاملاً خارج از محدوده صلاحیت آنها بوده که در مجموع بالای آزادی بیان در کشور سایه افگنده است. با گذشت هر روز، هم مؤسسات غیردولتی بین‌ المللی و هم خبر‌نگاران بین‌ المللی تحت فشار قرار گرفته و آنها ناگزیر اند از دستوراتی پیروی نمایند که اصول آنها را به مخاطره می‌اندازد. *مقامات بالفعل* باید به آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات ارج بگذارند و آن را تقویت بخشند و باید یک فضایی را فراهم سازند که کارکنان رسانه ها بتوانند بدون هرگونه هراس از انتقام جویی و یا حمله، به فعالیت های شان ادامه دهند.

فضای مدنی به صورت عموم فشرده تر شده است، زنان در اماکن عامه به چشم نمی خورند، عملکرد های تلافی جویانه مخالفین و منتقدان در حال افزایش است، سرکوب آزادی بیان و تشکل اجتماعات بیش از هر زمان دیگر شدت کسب نموده است، دسترسی به عدالت به یک رویا مبدل شده است و بحران بشری با فرا رسیدن فصل سرما و کاهش پس انداز، درآمد و نعطاف‌پذیری افغان‌ ها در مقایسه به سال گذشته، شدت بیشتر کسب خواهد نمود و بحران اقتصادی همچنان بیداد خواهد کرد. در حالی که بحران های مذکور بالای تمام جمعیت کشور پیامد های ناگوار به جا گذاشته اند، اما بیشتر از دیگران به زنان و دختران ضربه زده اند. لازم است تا به سایر گروه های محروم، به ویژه اطفال، کهنسالان، اشخاص دارای معلولیت و اعضای اقلیت های جنسی و جنسیتی توجه بیشتر صورت گیرد.

تقریباً نصف جمعیت کشور، از عدم مصونیت غذایی رنج می برند، که ۶.۶ میلیون نفر آنها در حالت اسفبار "اضطراری" قرار دارند، که از لحاظ خطر معروض شدن با قحطی یک رقم بلند را در سطح جهان تشکیل می دهد. منزوی شدن بانک مرکزی افغانستان از سیستم بانکی بین المللی، به شمول عدم دسترسی کشور به اسعار خارجی، توام با کاهش حمایت های بین المللی، اقتصاد افغانستان را به شدت متاثر ساخته است و به نوبه خود بالای روند ارائه خدمات اولیه اجتماعی، منجمله سیستم مراقبت های صحی پیامد های ناگوار داشته است و بدین ترتیب بر تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سایه افگنده است.

این مساله قابل درک است که جامعه جهانی کمک های بشردوستانه را در صدر اولویت های خویش قرار داده است و نمی خواهد طالبان از حمایت آنها سود ببرند. اما، بهای بن بست موجود میان *مقامات بالفعل* و جامعه بین المللی را عمدتاً افغان های که در آسیب پذیرترین وضعیت قرار دارند، می پردازند. بناءً، خیلی ها حایز اهمیت است تا وضعیت مذکور با در نظر داشت یک چشم انداز درازمدت تحلیل شود و باید ساحاتی شناسایی شوند که بتوانند به عنوان نقطه ورود زمینه را برای ایجاد تحول مثبت در زندگی افغان ها فراهم سازد. یک تن از کارکنان مؤسسه غیردولتی با اشاره به آینده چنین گفت: *"افغان ها درست در تقاطع بحران بشردوستانه و بحران حقوق بشری قرار گرفته اند و به نظر می رسد که جامعه جهانی نتوانسته است طی ۱۴ ماه گذشته به آن رسیدگی لازم نماید، بناءً می توان گفت که زمان تغییر رویکرد فرا رسیده است."*

نشانه های انگشت شماری برای تحول به چشم می خورند. یونسکو بازسازی و احیای یکعده اماکن میراث فرهنگی مذهبی، به شمول اماکن میراث بودایی را تأیید نموده است. امیرالمونین فرمانی را در مورد چگونگی رفتار با زندانیان صادر نموده است که به نظر می رسد تا حدودی با معیارات بین المللی مطابقت داشته باشد. تعداد زندانیان به ۱۰۰۰۰ تن کاهش یافته است و نشانه های وجود دارد که برای مدیریت زندان ها یک رویکرد مسلکی روی دست گرفته شده است. در وزارت امور خارجه دفاتر حقوق بشر و امور بین‌الملل زنان احیا گردیده اند و یک کمیته تخنیکی و هماهنگی بین الوزارتی تشکیل یافته است. سایر وزارت ها مانند وزارت امور داخله و لوی څارنوالی فوکل پاینت های حقوق بشر خویش را به کمیته مذکور معرفی نموده اند. اما، تا هنوز ارزیابی کامل انکشافات یاد شده انجام نیافته است.

در خاتمه می توان گفت که هرچند روشنی ناچیز به چشم می خورد، اما به صورت عموم اوضاع کشور با گذشت هر روز از لحاظ حقوق بشر وخامت کسب می کند. علی الخصوص، تقریباً با قاطعیت می توان گفت که افغانستان برای زنان و دختران بدترین کشور در سطح جهان محسوب می شود. طوری که تذکر داده ام، نگرانی های دیگری نیز از لحاظ حقوق بشر وجود دارند. از یک جانب، نیاز است تا قاطعیت و اصول گرایی ادامه یابد، اما باید جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع در محراق توجه قرار داشته باشد. از جانب دیگر، جو حاکم معافیت از مجازات باید از طریق نظارت از حقوق بشر و گزارشدهی مقدم در پیوند با حسابدهی، به چالش کشانیده شود.

متشکرم.

1. همچنان، وزارت امور خارجه *مقامات بالفعل* ضمن تبصره های کتبی خویش ابراز ناامیدی نموده است که ایجاب نمی کند مسودۀ گزارش بنابر عدم سازگاری آن با روحیۀ ادارۀ *مقامات بالفعل*، ضمیمه شود. [↑](#footnote-ref-1)